



حجة الاسلام و المسلمین
موسوی خوئینی ها

حج، مسجدها و کعبه

شهرستان علوم انسان و مطالعات فرهنگی

الهی هستند، و این در جایی است که آیات احکامی که از طرف خداوند تشریح شده بیشتر با تعبیر "مو، من" و "مو، نون" و امثال اینها آمده است.

با توجه به این آیات و آیه "وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ" ذهن انسان به این نکته متوجه میشود که عنایت خاصی به این مفهوم بوده است. یکی از این آیات حج، بدنهال آیه‌ای آمده است که مربوط به امامت و رهبری است:

"وَإِذْ بَوَّأْنَا إِبْرَاهِيمَ رِيبَهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَمَّنَّ، قَالِ يَا رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً يَا مَعْزُومِينَ"

پس از آنکه خداوند ابراهیم را به ابتلائات و مصیبت‌های بزرگ آزمود و ابراهیم هم از

ما این خانه را مرجعی برای "مردم" قرار دادیم و محلی برای ایمنی و آسایش آنها. باز در اینجا "مردم" محور است و جعل الاهی بر محور مردم است.

در آیه دیگر آمده است:

"جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغَابِغَةَ الْحَرَامَ لِقِيَا مَا لِلنَّاسِ"

خداوند کعبه را که بیت الحرام است مایه قوام و استواری مردم قرار داده است. حتی آن جایی که قرآن در باره وجود حج و در تشریح حج بحث می‌کند می‌فرماید:

"وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْتِغْنَاءِ آلِهِمْ سِهْلًا"

باز در اینجا "مردم" محور و ملاک حکم

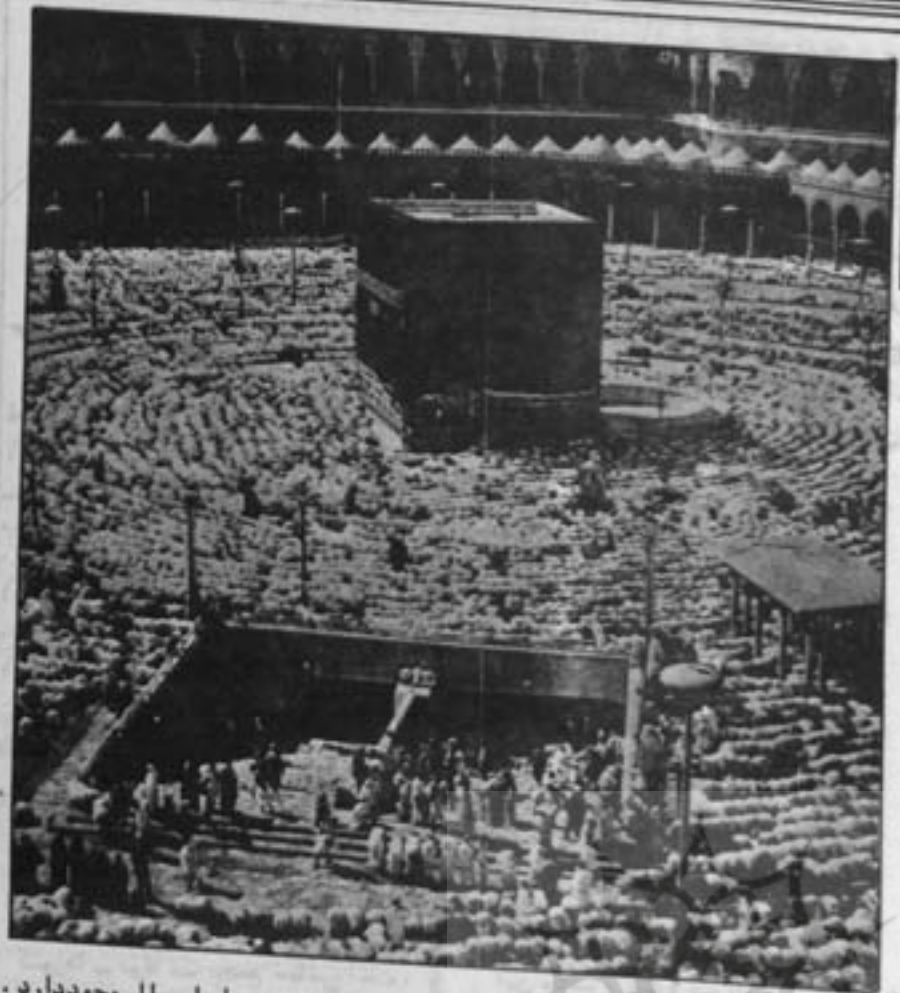
"إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ"

در ارتباط با مسئله حج، از این نقطه بحث را آغاز می‌کنیم: تعبیراتی که طسی چند آیه در مورد حج و خانه خدا (کعبه) می‌بینیم، در اطراف یک محور خاص دور زده است. در همین آیه‌ای که اشاره شد، آمده است: اولین خانقاهی که برای "مردم" ساخته شد همان خانقاهی است که در مکه است و این خانه مبارک است و برای هدایت عالمان می‌باشد.

در آیه دیگر می‌خوانیم:

"وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ يَوَازُونَ"

خداوند را در راه حق و عدالت
 و در راه سعادت و نجات
 قرار دادیم. به دنبال این آیه، آیه:
 "وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ"
 آمده است.



این آزمایشها به نیکوئی بیرون آمد خداوند فرمود: من تو را برای "مردم" امام و رهبر قرار دادم. به دنبال این آیه، آیه:
 "وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ"
 آمده است.

از مجموعه این آیات، چه در بحث امامت و چه در بحث وجوب و تشریح حج و جعل کعبه بعنوان بیت و خانقاه برای مردم در ابتدا، این نکته را استفاده می‌کنیم که از جمله چیزهایی که برای درست حرکت کردن و جهت را کم نکردن ضرورت دارد، مسئله امامت است. تا امامت از طرف خداوند برای مردم جعل نشود و فردی که در کوران ابتلائات و برخورد با موانعی که در سر راه ساخته شدن انسان است، آن موانع را نشکند و از آزمایشات به نیکو بیرون نیاید و سپس خداوند او را برای امامت جامعه برانگیزاند، تا چنین نشود جامعه نمیتواند یک حرکت هم آهنگ-جهت-دار تکاملی والی الله را طی کند.

اینجا مسئله امامت مورد بحث مانیش ولی ارتباط امامت و رهبری یک جامعه در یک حرکت هم آهنگ، با مسئله کعبه و ارتباط با ناس مورد بحث است.

ضرورت یک مجمع سیاسی واحد:

از این آیات چنین برمی آید که مردم حتما باید امامی برای حرکت خودشان داشته باشند و این حرکت هم آهنگ مردمی با رهبری یک امامی که خداوند او را قرار داده باشد تمام نمی‌شود، مگر اینکه کعبه ای وجود داشته باشد. البته در فرهنگ ما "کعبه" است، ولی این یک اصلی است که در تمام حرکت‌های سیاسی پیدامیشود، یعنی در یک حرکت سیاسی جهانی امروز هم

"کعبه" و مجمع سازمان ملل وجود دارد. یکی از تفاوتها همین است که سازمان ملل چون ساخته شده دست قدرتهای بزرگ است، طبعاً در جهت منافع آنها حرکت می‌کند ولی کعبه بدست یکی از پیامبران بزرگ الهی و به امر خدا ساخته شده است. لذا فاصله مجمع سازمان ملل با حج و کعبه، در ارتباط با منافع مردم، به اندازه فاصله بین آمریکا است تا خدا!

یک چنین تفکری وجود دارد که همه کشورها با فلسفه‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت- حتی برای اینکه قدرت‌های بزرگ، این کشورهای کوچکتر را زیر سلطه خودشان بکشند- در نهایت به یک "مجمع سیاسی واحد" احساس کرده‌اند که نیاز دارند.

و به عبارت روشنتر، ما در یک حرکت الهی با مسئله کعبه برخورد می‌کنیم، اما در حرکت‌های ضد مردمی هم می‌بینیم که قدرت‌های ضد الهی و ضد مردمی به این نکته توجه کرده‌اند که برای هم آهنگ شدن قبائل و گروه‌های مختلف با فلسفه‌های سیاسی مختلف و فرهنگ‌ها و قومیت‌های متفاوت، یک مرجعی باید باشد که اینها را در آنجا دور هم جمع کند که همان سازمان ملل است.

آن سیاستهای بزرگ جهانی هم برای رسیدن به اهداف خودشان توجه کرده‌اند که باید یک مرجع سیاسی جهانی درست کنند، البته با تفاوت بسیاری که بین

کنگره عمومی:

همانطور که تذکر دادیم، در یک حرکت هم آهنگ مردم که امامتش هم با ابراهیم است، خداوند یک امر دیگر را ضروری دانسته و آن اینکه: این توده‌های عظیمی که در این حرکت توحیدی با رهبری ابراهیم (ع) میخواهند حرکت خود را آغاز کنند، یک مجمع جهانی هم لازم دارند. باید اینها در یک مرکزی اجتماع کنند و در آنجا همه یک آهنگ داشته باشند. این

ضرورتی بود که گویا در نهاد و درون یک حرکت سیاسی خوابیده است که یک کنگره عمومی واحد لازم است. در حرکت احزاب سیاسی هم همین مسئله هست. احزاب سیاسی هم بین خودشان یک نشست های سالانه عمومی دارند که از سران شاخه ها و شعبه های حزب تشکیل می شود، با این تفاوت که حج یک کنگره عبادی سیاسی است اما مجامع امروزی دنیا - در بین احزاب

از این رو می بینیم که در این کنگره عبادی سیاسی توحیدی و ابراهیمی، رمکه، مردم به این اجتماع دعوت شده اند. نکته مهم دیگری که در اینجا هست این است که در کنگره های احزاب و جمعیت های سیاسی، محور بوجود آمدن آن کنگره، مسائل سیاسی است. اما در مساله حج، محور مسائل عبادی است، و مسائل سیاسی از متن این حرکت عبادی می جوشد. بنا بر

در مسئله حج محور مسائل عبادی است،

و مسائل سیاسی از متن این حرکت عبادی

می جوشد.

کشورها - صرفا یک مجمع سیاسی است. و این هم ارتباط دارد با آن تفاوت جوهری بین حرکت توحیدی انبیا و حرکت سیاسی احزاب و دستجات سیاسی دنیا (۱). نکته بسیار مهمی که در اینجا به چشم می خورد این است که در حرکت های سیاسی بسیار دیده شده که نمایندگان مردم اگر جدای از خود مردم در یک تصمیم گیری سیاسی وارد بشوند، قدرتهای بزرگتر با اینها سازش می کنند، اما در آنجائی که یک حرکت سیاسی را خود مردم اداره میکنند هیچ وقت مردم را نمی شود به سازش و ادا کردن کرد زیرا مردم نمایندگی از طرف کسی ندارند. در آنجائی که خود مردم و توده ها هستند، گویا یک واقعیتی و حقیقتی وجود دارد که در آنجائی که نمایندگان مردم هستند آن واقعیت و حقیقت وجود ندارد لذا صلابت یک حرکت سیاسی متکی به خود مردم خیلی نیرومندتر و شدیدتر است از آن حرکتی که نمایندگان مردم آن را اداره می کنند.

این مکانیزم کنگره حج طوری است که حرکت سیاسی اش با آن بعد عبادی از انحراف محفوظ میماند، ولی در کنگره های سیاسی دنیا این حالت وجود ندارد زیرا تمام نمایندگان یک حزب سیاسی صرفا مسائل سیاسی را در کنگره مطرح می کنند، و به هیچ وجه روح عبادت و معنویت و ارزش های الهی و اسلامی در آنجا مطرح نیست. البته ممکن است بعضی از افراد و عناصر آن احزاب سیاسی، چنین اعتقاداتی داشته باشند اما اصول یک کنگره بر مبنای بررسی مسائل سیاسی و تصمیم گیری های سیاسی صرف است به همین جهت می بینیم دسته بندی ها هم صرفا دسته بندی های سیاسی است اما در حج، در کنار یک حرکت عبادی سمبلیک، مسائل سیاسی نیز مطرح میشود. مردم که از زیارت خانه خدا و مناجات و نیایش با پروردگار فارغ میشوند و از آن مقامات و جایگاه هایی که یادآور حماسه های بزرگ حرکت های الهی تاریخ بشر است، از مقام ابراهیم، مقام اسماعیل و همچنین

سایر مقاماتی که تاریخچه عمومی حرکت توحیدی را از ابتدای آغاز حرکت بشر تا امروز بیان می کند، از این جایگاه های مقدس می گذرند، در چنان فضای عبادی که مردم در یک جو واحد جهانی به طول تاریخ قرار می گیرند، با یک آهنگ از نژادها و ملت های مختلف در حالی که همه تبعیضات خودشان را دور ریخته اند، همه با لباس یک نواخت در آنجائی که اصالتها و خردهای مادی نمی تواند خودنمایی کند و هر فردی احساس می کند که سرنوشتش با سرنوشت همه انبیا تاریخ گره می خورد، در چنین جوی باید این مردم به مسائل سیاسی خودشان هم بپردازند، لذا این حرکت سیاسی در پناه آن حرکت عبادی از هر گونه انحراف و فساد مصون می ماند.

در اینجا خود مردم وجود دارند. از آن کشاورزهای روستاهای سراسر دنیا تا شهرنشین ها اما در کنگره های احزاب سیاسی با در سازمان ملل اصلا فضای عبادت و توجه به یک مبدا و گره خوردن با تاریخ انبیا الهی اصلا وجود ندارد. تاریخ احزاب سیاسی نشان داده که غالباً به یک دگم بسیار خشنی گرفتار میشوند که واقعیتهای ملموس زندگی خودشان را هم فراموش می کنند.

حج یک عبادت سمبلیک است:

حج یک عبادت سمبلیک است. اگر این سمبلیک بودن را در آن ملاحظه نکنیم، خود بخود مثل نماز، یک عبادتی نیست که خودش اصالت داشته باشد. مثلاً سعی بین صفا و مروه که عبارت از راه رفتن بین دو کوه صفا و مروه است، خود این راه رفتن یک اصلتی در عبادت ندارد. همه مردم همیشه دارند راه میروند. اگر صرف راه رفتن و بین دو کوه حرکت کردن اصالت داشته باشد، تمام روستائی های مردم ایران بین کوه ها حرکت می کنند ولی این حرکت کردن ها هیچ ربطی به عبادت ندارد ولی راه رفتن بین دو کوه صفا و مروه یک مفهوم

مختصر و مفصل حوادث و اشخاص

شوم شهریور - انفال ایران توسط متفقین و اخراج رضاخان از ایران (۱۳۲۰)

هشتم شهریور - فاجعه انفجار نخست وزیری و شهادت رئیس جمهور محسوب رجائی و نخست وزیر ارجمند حضرت الاسلام دکتر باهنر (۱۳۶۰)

نهم شهریور - آزادی کرخه نوردر طرح عملیاتی شهید رجائی و باهنر (۱۳۶۰)

یازدهم ذی قعدة - ولادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (۴۸ هجری قمری)

یازدهم شهریور - آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ میلادی)

چهاردهم شهریور - شهادت آیت الله قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی (۱۳۶۰)

پانزدهم شهریور - شهادت مرتضی دستجردی رئیس کل شهرسازی و معماری و حادثه انفجار نخست وزیری (۱۳۶۰)

هفدهم ذی قعدة - اعدام انقلابی ناصرالدین شاه توسط میرزا رضا کرمانی رحمه الله علیه (۱۳۱۳ هجری قمری)

هفدهم شهریور - یکی از ایام الله و روزی که رژیم منحوس پهلوی با به شهادت رساندن بیش از ۴۰۰۰ نفر از مردم شریف تهران در جمعه خونین، پایان حکومت ننگین خود را اعلام کرد. (۱۳۵۷)

نوزدهم شهریور - درگذشت ابوذر زمان آیت الله طالقانی (۱۳۵۸)

بیستم شهریور - شهادت شهید محراب آیت الله مدنی امام جمعه تبریز در محراب نماز جمعه (۱۳۶۰)

بیست و یکم شهریور - شهادت شیخ محمد خیابانی (۱۳۹۹)

بیست و چهارم شهریور - ستاسر شاه و کشتار فلسطینی ها بدست شاه حسین جلاد در اردن (۱۳۴۹)

بیست و نهم ذی قعدة - شهادت امام محمد تقی علیه السلام (۲۲۰ هجری قمری)

سی و یکم شهریور - آغاز تجاوز رژیم بعثی صهیونیستی عراق به جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۹)

با توجه به سمبلیک بودنش ، نه ارتباط به زبان و نه به فرهنگ اقوام و قبائل دارد . سعی صفا و مروه ، وقوف در عرفات و رمی جمرات نیز همینطور است . این هم یکی از خصوصیات مناسک حج است که طبعاً کنکی است برای اینکه مردم در تصمیم گیریهای سیاسی بیشتر هماهنگ شوند و جهت گیری واحدی داشته باشند . ادامه دارد .

۱ - بعضی ها در گذشته برای توجیه روشنفکرانه اسلام و مذهب به چنین چیزی کشانده می شدند که همچنان که احزاب سیاسی دارای برنامه و اساسنامه هستند و یک فلسفه سیاسی و اقتصادی برای خودشان دارند ، اسلام هم یک فلسفه سیاسی اقتصادی و یک برنامه حزبی است برای امت اسلام . من این مطلب را درست میدانم . تفاوت فراوانی است بین اسلام و آن چیزی که به عنوان اساسنامه یا برنامه قابل قبول اعضای یک حزب سیاسی است یعنی امت اسلامی به عنوان اعضای یک حزب سیاسی نیستند . اسلام در ابعاد و زندگی انسان وارد شود که احزاب سیاسی اصلاً کاری با آن مسائل ندارند . اسلام

در همان بعد خودش توجیه کند . در هر صورت حج یک عبادت سمبلیک است که تمام اقوام با همه اختلافات قومی و قبیله ای این حرکت سمبلیک را انجام میدهند . نقش فعال و دقیقی در روابط اجتماعی ، خانوادگی و کلیه مسائل عاطفی و روابط زندگی مردم تا جزئی ترین فعالیت های اقتصادی ، ایفا می کند در صورتی که اعضای یک حزب سیاسی در همه این امور باهم دیگر بیعت و قرار داد مشترکی ندارند .

سمبلیک دارد . نماز یک عبادتی است که خودش اصالت دارد . روزه نیز از آن عباداتی است که خودش جوهره عبادت دارد و اصالت در عبادت دارد . اما دور خانه خدا گشتن ، اگر مفهوم سمبلیک نداشت ، تنها دور یک نقطه ای گشتن ، یک روح معنویت در انسان ایجاد نمی کند . هنگامی که انسان به اعمال و عبادات حج می نگرند ، می بینند تاریخچه ای است بسیار فشرده و اجمالی از مبدا حرکت انسان تا پایانش . در این زمینه همگان کسانی که خواستارند فلسفه حج را توجیه کنند ، هر کدام ذهنشان متوجه یک بعد از این عبادات شده است ، و با توجه به سمبلیک بودن حج و اینکه بیانگر اجمالی تاریخچه حرکت بشر است ، لذا هر فردی در ارتباط با تخصص و بینش خویش و چون به بخشی از زندگی مردم بیشتر توجه داشته است ، حج را هم در آن رابطه دیده ، مثلاً فرض کنید اگر کسی تخصصش در مسائل اقتصادی است ، حج را بیشتر در مفهوم اقتصادی توجیه میکند . اگر کسی جامعه شناس یا روانکاو است ، سعی میکند مناسک حج را

حج یک عبادت سمبلیک است که تمام اقوام با همه اختلافات قومی و قبیله ای این حرکت سمبلیک را انجام میدهند .

نقش فعال و دقیقی در روابط اجتماعی ، خانوادگی و کلیه مسائل عاطفی و روابط زندگی مردم تا جزئی ترین فعالیت های اقتصادی ، ایفا می کند در صورتی که اعضای یک حزب سیاسی در همه این امور باهم دیگر بیعت و قرار داد مشترکی ندارند .

پاسدار اسلام / ۲۳